

# خجسته باد اول ماه مه ،

# روز همبستگی رزمی زحمتکشان جهان!

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان به مناسبت روز اول ماه مه

سخنونه ای بایسته جشن گرفته و در این روز برای تشدید چنگار و راندن شواسته های برخی خود تجدید پیمان کرده است.

### کارگران و زحمتکشان!

اگر شما امسال اول ماه مه را در شرایطی جشن می گیرید که دیگر آتش جنگ خانمانسوز ایران و عراق که زبانه های مادی و جانی آن در درجه اول منوجه شما و خانواده های شما بوده فرو نشسته و زمینهای برای برقراری زندگی صلح آمیز فراهم گردیده، در این راه نقش ایجابی را مبارزات شما بر ضد جنگ و جنگ طلبان ایفا کرده است. این شما بودید که بیش از همه افسار و طبقات، به اشکال و صورتهای گوناگون و از آن میان در باز زدن از "کنکدانی و جانی" به جبهه ها، مخالفت با تبدیل خطوط غیر نظامی به نظامی و شرکت فعال در نمایشهای خودپوی ضد جنگ، رژیم خمینی را ناکزیر به بدترین طغیانها ۵۹۸ کردید. هم از این رو بود که خمینی در پی شکست فضاحت بار سیاست "صدور انقلاب" رژیمش، بر آن شد تا از شما و پیشاهنگان انقلابی شان انتقام خونین بگیرد و به جنبش کارگری میهنمان ضربه ای سهمگین وارد سازد. اگر چه فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی ایران و از جمله کشتار جمعی از برجسته ترین، آگاهترین و فداکارترین بیانگران منافع شما بار دیگر بر این حقیقت مهر تائید زد که میان شما و رژیم و استکرا، کارگر ستیز و خودکامه "ولایت فقیه" نمی تواند حرفی از آشنی و دوستی در میان باشد.

### کارگران و زحمتکشان!

حال، چنانکه پیش از بیش به تجربه در می یابید، چون خاموش شدن آتش جنگ با تحولی در ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور همراه نگردید، زندگی دشوار شما نیز به مراتب دشوارتر و مسائل و مشکلات شما از جهات معینی به مراتب پیچیده تر و حادث تر شده است. در این میان، بویژه دو عامل یعنی نبود آزادیهای دموکراتیک و قانون کار مترقی، بهره کشی و فقر و گرسنگی شما را به شکل بی سابقه ای تشدید کرده است. زیرا نه راهی برای پیکار متحد و سازمان یافته "آزاد زحمتکشان" بخاطر دستیابی به حقوق صنفی و سیاسی شان باز است و نه قانون کار مترقی ای بر مناسبات موجود میان فروشندگان نیروی کار و کارفرمایان نظارت دارد.

### کارگران و زحمتکشان!

در شرایط نبود یک قانون مترقی بیمه، بیکاری روزی نیست که در نتیجه "باز خریدها و اخراجهای بی رویه" جمعی و فردی، گروه تازه ای از کارگران به ارتش چند میلیونی بیکاران نیبوندند. همچنین بقیه در ص ۲

کارگران و زحمتکشان! کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن اول ماه مه، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را با بهترین آرزوهای انسانی و انقلابی به شما شادباش می گوید.

امسال از تصمیم برگزاری آئینهای پرشکوه اول ماه مه، با خصلت و محتوای انقلابی و رزمجویانه، صد سال می گذرد. این سنت بزرگ انقلابی در جریان برگزاری نخستین کنفرانس انترناسیونال دوم (پاریس) در ژوئیه ۱۸۸۹ به خاطر گرامیداشت خاطره "پیکار خونین کارگران شیکاگو" (در اول ماه مه ۱۸۸۶) پایه گذاری شرکت زحمتکشان توانمندی خود را که از اتحاد و همبستگی آگاهانه شان در مقیاس ملی و بین المللی سرچشمه می گیرد، به نمایش گذارند. در جریان یک سده ای که از تصمیم گیری درباره "برگزاری این عید کارگری" می گذرد، طبقه کارگر جهانی نشان داد که علیرغم وارد شدن برخی عناصر نوین در ساختار و ترکیب آن بویژه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری در نتیجه انقلاب علمی و فنی، طبقه ای است بالنده، ترقیخواه و ناپایان انقلابی که مضمون این دوران نزارخی و بزرگترین دگرگونیها و تحولات جامعه "بشری بافتش و رسالت تاریخی و منافع و مباحث او بیرون از جدایی ناپذیر داشته است. اگر امروز در بخشی از جهان زحمتکشان بر خاکستر نظامهای بهره کش، به ساختمان سوسیالیسم می پردازند، اگر در جهان زنجیرهای اسارت استعماری فرو ریخته است، اگر خلفهای بسیاری از کشورها در حال ساختمان جامعه ای آزاد و مستقل هستند، اگر امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی دیگر قدر قدرت نیستند و در بر تو پیکار و چشم انداز طبقه کارگر پیر زمیند امید به زندگی صلح آمیز و آزاد و آینده ای نیکبخت و ببری از بهره کشی همه بشریت تقویت می شود و ... همه و همه حکایت از دستاوردهای ارزشمند مبارزه "طبقه کارگر و دیگر رنجبران دارد.

امسال از برگزاری اولین جشن ماه مه در چند کشور اروپایی و ایالات متحده آمریکا ۹۹ سال می گذرد. جنبش کارگری ایران هم از سنت "بیرینه" برگزاری جشن اول ماه مه برخوردار است. طبقه کارگر ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۰۱ اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی زحمتکشان را با تظاهرات خیابانی باشکوهی برگزار کرد و از آن پس علیرغم تلاشها و ترسندهای هیئت های حاکمه برای عدم برگزاری مراسم مستقل با برگزاری آئینهای فرمایشی، همه ساله، حتی در سیاهترین سالهای فرمانروایی ترور و اختناق پلیسی اول ماه مه را



شماره ۲۵۶، دوره هشتم، سال پنجم  
پنجشنبه ۵ اردیبهشت ۶۸

## اختناق برای همه

جنتی، که اخیراً از سوی خمینی به سرپرستی "سازمان تبلیغات اسلامی" برگزیده شده است، در خطبه های نماز جمعه قم طی بحث درباره "وظایف دست اندر کاران امور تبلیغات، از جمله گفت: "مسئله از قبیل حکومت اسلامی، ولایت فقیه و مصلحت نظام اسلامی از مواردی است که به اندازه کافی روشن شده است. لذا وظیفه مبلغین و دست اندر کاران امور تبلیغات است که این موارد را برای مردم روشن نمایند."

باید از جنتی پرسید آیا ده سال زندگی تکلیت بار تحت سیطره رژیم "ولایت فقیه" برای شناختن وجوه گوناگون این حکومت کافی نیست؟ مردم ایران چه چیزی را درباره این نظام نمی دانند که فرار است برایشان "روشن شود؟ مردم ایران "حکومت اسلامی" خمینی را به عنوان قاتل صدها هزار تن از فرزندان خود می شناسند. فرزندان که در زندانها و شکنجه گاهها، در کوه و دشت و در کوچه و خیابان قربانی جنایت پیشگی سران "حکومت اسلامی" شده اند. مردم ایران همچنین خمینی و "حکومت اسلامی" اش را مسئول قتل عام اخیر زندانیان سیاسی می دانند. آیا در اینچنانکه "میهمی وجود دارد؟ مردم ایران خمینی و "حکومت اسلامی" اش را مسئول ادامه جنگ و زبانه های عظیم انسانی و مادی ناشی از آن، از هم پاشیدن کانون خانواده ها، آوارگی و در بدری میلیونها انسان و ... می دانند. آیا در اینجا ابهامی وجود دارد؟ بقیه در ص ۲

### مورنینگ استار

افشامی کند:

در ص ۸

# مراه پرافتخار شهیدان توده ای را ادامه خواهیم داد!

## پیام کمیته مرکزی

شایان بیان است که هیچگاه، دست کم در دو دهه اخیر، سطح درآمد واقعی زحمتکشان تا حد امروز پائین نبوده است. در سال جاری، با وجود تورم تازنده بالای ۵۰ درصد، "شورای عالی کار" سیاست رژیم در این زمینه را تثبیت حداقل دستمزد کارگران در سطح ۸۲۰ ریال و افزایش میزان "پن کارگری" از ۲۰۰ به ۷۰۰ تومان اعلام داشت. حال در شرایطی که کارگران هنوز کالاهای مربوطه بنی ۶۶ را به تمامی دریافت نکرده اند، چگونه می توانند به ۷۰۰ تومان "پن کارگری" ۶۸ دلخوش کنند.

نبود امنیت شغلی و دره ژرف موجود میان سطح پائین درآمد و هزینه فزاینده زندگی، بطور عینی و بی سابقه ای زمینه تشدید آهنگ کار و درجه بهره کشی، افزایش سوانح کار و بیماریهای حرفه ای، وخامت وضع بهداشت و درمان، مسکن و آموزش خانواده های زحمتکشان را فراهم کرده است. زحمتکشان نیز که در زده گیشان با مخاطرات و فجایع بسیار دردناکی روبرو هستند و ای بسا که با شکم گرسنه سر بر بالین می گذارند، در برابر این وضع آرام ننشسته اند. موج مقاومت ها، مخالفت ها و اعتصابات در محیط های گوناگون کار و تولید گواهی بر این واقعیت است. مضمون اکثریت شکنده اعتراضها و اعتصابات کارگری در یک سال گذشته با دو خواست افزایش و پرداخت منظم دستمزد با حقوق و مزایای قانونی همانند حق بهره وری، حق اولاد، حق مسکن و اضافه کاری و همچنین خواست امنیت شغلی پیوند داشت. پاسخ خمینی و ریزه کاریان در کاهش به مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان جز گسیل نیروهای سرکوبگر و با چنانکه در پیام خمینی به کارکنان صنعت نفت و صنایع و معادن بازتاب یافته، دعوت آنها به "استقامت" و تحمل سختی و رنج و گرسنگی باز هم بیشتر نبوده است.

### کارگران و زحمتکشان!

شما با مروری بر تجربه حدود ۸۰ سال مبارزه سندیکیایی و سیاسی طبقه کارگر ایران بر ضد امپریالیسم و ارتجاع نیک می دانید که در راه دستیابی به آماجهای خود هیچ جنگ افزاری نیرومندتر از مبارزه سازمان یافته ندارید. وحدت و تشکیلات و مجهز شدن به شعارهای درست ضامن پیروزی شما در امر مبارزه است. از اشکال و شیوه های گوناگون مبارزه بویژه اعتصاب برای رسیدن به خواستهای صنفی و سیاسی خویش بهره بگیرید.

شما در راه کسب آزادیهای دمکراتیک و پایان بخشیدن به سیاست نژادپرستی رژیم و تامین صلح پایدار از پای منتهید! رژیم راناکزیر سازید که با کاهش هزینه های نظامی بر بودجه خدمات اجتماعی بیافزاید! شما با احیای هسته های مخفی رهبری سندیکیاها و اتحادیه ها در راه لغو قوانین ارتجاعی و ضد کارگری و تصویب قانون کار، قانون بیمه بیکاری و قانون تامین اجتماعی مترقی و احیای فعالیت های صنفی و سیاسی مبارزه کنید!

### کارگران و زحمتکشان!

در روند مبارزه، حتی یک لحظه از یاباد نبرید که فرو ریختن دیوارهای حکومت ترور و اختناق رژیم "ولایت فقیه" و دستیابی به آزادیهای دمکراتیک را باید در صدر خواسته های خود قرار

## اختناق برای ...

مردم ایران خمینی و "حکومت اسلامی" اش را مسئول وضع فلاکت بار زندگی خود، مسئول معضلات اجتماعی، مبتلا به خویش چون بیکاری، کرائی هولناک، اعتیاد و ... می دانند. مردم ایران رژیم "ولایت فقیه" را به عنوان حکومتی نامعاصر و قرون وسطایی، به عنوان رژیمی که در آن دیکتاتوری خون آشام با سر استفاده از نام دین و اعتقادات مذهبی توده ها، همه اعمال جنایتکارانه خویش را توجیه می کند، می شناسند. مردم ایران رژیم "ولایت فقیه" را رژیمی مامینا ضد دمکراتیک و آزادی کش می دانند. در همه این موارد، برخلاف تصور آقای جنتی هیچ نقطه ابهامی برای میلیون ها ایرانی وجود ندارد و اکنون ساهاست که آنان بدرستی درباره "حکومت اسلامی" خمینی و اعوان و انصارش قضاوت کرده اند. انفراد روز افزون رژیم نیز از همین قضاوت ناشی می شود.

اما گذشته از این، نکته مهم در سخنان جنتی اشاره وی به مقوله "مصلحت نظام" است. این مقوله که در گذشته گاه در جریان بحث های فقهی پیرامون "احکام اولیه و ثانویه" مورد استفاده قرار می گرفت، این روزها - پس از عزل منتظری از مقام خویش - بهش از همه وقت به گوش می رسد.

دهید. آزادیهای دمکراتیک برای امر مبارزه و سازمان یابی حکم آب و هوا را دارد. آزادیهای دمکراتیک شرط مقدم تامین نان و مسکن، بهداشت و فرهنگ و حقوق صنفی و سیاسی شماست. روز اول ماه مه را به روز تجدید پیمان برای تشدید مبارزه در راه آزادیهای دمکراتیک تبدیل کنید و در راه آزادی زندانیان سیاسی یعنی مدافعان راستین حقوقتان و به پای میز محاکمه کشاندن عاملان شکنجه و کشتار جمعی از رزمندگان در بند راه طبقه کارگر برزمید.

### کارگران آگاه! اعلان صنفی!

در شرایط کنونی، بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی دامنگیر رژیم و ناخشودی گسترده توده های رنج از سیاست و عملکرد آن، زمینه جلب پشتیبانی کارگران و زحمتکشان به مبارزه و فعالیت سازمان یافته را فراهم ساخته است. از شرایط امکانات موجود باید حداکثر بهره برداری را به سود پیشبرد امر سازماندهی و تشکل زحمتکشان در راه خواستهای اقتصادی و اجتماعی شان از طریق در آمیزی مبارزه مخفی و علنی و صنفی و سیاسی بعمل آورید.

خجسته هساد روز اول ماه مه، روز جشن و همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان! استوار باد همبستگی بین المللی کارگران! درود بر طبقه کارگر رزمنده ایران! برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"، "سرتگون باد رژیم" "ولایت فقیه"!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۶۸

مسئولین اصلی رژیم به شکل همانندی و در واقع به تاسی از خمینی، بر کناری منتظری را ناشی از "درک مصالح اسلام و نظام از سوی امام" قلمداد می کنند. خامنه ای در مراسم نماز جمعه درباره این اقدام می گوید: "موقعی که ما هم در این زمینه خدمت امام رسیدیم، بر همین امر تاکید کردند. اما خاطر نشان ساختند که مصلحت اسلام و نظام اسلامی بر تمامی ملاحظات ارجحیت دارد" (کیهان، ۱۴/۱/۶۸). در واقع معنای "مصلحت اسلام و نظام" از دید سران رژیم - که خمینی واضح تر از همه در حکم انتصاب جنتی نوشته بود - عبارت از این است: هر کسی، در هر موقعیتی بخواد کوچکترین عکس العملی در مقابل اعمال جنایتکارانه خمینی و یارانش نشان دهد، "بی هیچ گذشتی" سرکوب خواهد شد. خمینی از دستکامهای تبلیغاتی رژیم می خواهد که این "معنا" را به همگان تفهیم کنند. و در این میان، صد البته که تشخیص این "مصلحت" از حقوق انحصاری خمینی است. این "حق" نیز چون دیگر "حقوقی" که خمینی خود به خویشتن تقویض کرده از مقام "ولایت فقیه" انفکاک ناپذیر است.

چند ماه پیش از این هنگامی که گروهی از روحانیون و افراد طرفدار منتظری از سوی وزارت اطلاعات در بازداشت به سر می بردند، ری شهری، سر جلد خمینی، برای مقدمه چینی اعدام آنها درباره "اسلام روسی" داد سخن داد. اکنون نیز از هیاهوی سران رژیم درباره "مصلحت اسلام و نظام" بوی خون به مشام می رسد. بدنبال برکناری منتظری صد ها تن از افراد "نامطلوب" در نهادها و ارگانهای دولتی به بهانه طرفداری از منتظری از کار برکنار و بعضا بازداشت و زندانی شده اند. "مصلحت اسلام" بهانه خوبی در دست آدمکشان "ولایت فقیه" برای طرد و بگیر و ببند و کشتار آنهاست.

رژیم "ولایت فقیه" بدنبال چند ماه نمایشهای مفتضح پیرامون "گسترش آزادی ها" پس از خاتمه جنگ، "آزادی فعالیت احزاب" و غیره به مرحله جدیدی از سرکوب و آدمکشی کام گذارده است. همانگونه که پیش از اینها نیز گفتیم وجه تمایز این دوره، گسترش بی سابقه دامنه سرکوب عناصر ناراضی درون و پیرامون حاکمیت است. تهدید، ارباب، لجن پراکنی و تهمت و افترا که پیش از این بطور گسترده علیه مخالفین رژیم و دگراندیشان مورد بهره برداری حکام جمهوری اسلامی قرار می گرفت، اکنون بطور گسترده ای درباره عناصری از درون و پیرامون حاکمیت به کار می رود. سخن از افراد نفوذی "گروهک ها و ضد انقلاب" است که گویا "به طرز ماهرانه ای" در نهادها، ارگانهای دولتی و در "بهت" شخصیت ها نفوذ کرده اند. تهدید می کنند که اگر اینان دست از "شیطنت" بر ندارند، به سزای اعمالشان خواهند رسید و ... همه باید دم در کشند، اختناق همگانی است، در هر مقام و مرتبه ای ...

شکی نیست که خمینی با توسل به هیچ حربه ای نخواهد توانست "انسجام" دلخواه خویش را در حاکمیت بوجود آورد. تصفیه ها و کشتارها جز افراد بیشتر شمری برای او و مهدستانش بهار نخواهد آورد. در این راستا از دستکامهای تبلیغاتی رژیم نیز کاری ساخته نیست.



زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان!

## تا آنکه تلفن ما هم رنگ زد

۴. یا ۵. روز پیش از آغاز بازگرداندن اشیاء باقیمانده از قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی، ما همه احساس می کردیم که چنانچه بزرگ انجام گرفته است. سپس، هر روز تلفن یکی از خانواده ها رنگ می زد و ما از خبر مرگ نزدیکان و دوستان غرق ماتم می شدیم و به مجلس ختم می رفتیم، تا آن روز لعنتی رسید و به خود ما تلفن کرد. از ما نمی شد که او بعد از سالها رنج و شکنجه، چه در دوره شاه و چه در این دوره، از میان ما رفته باشد. ختم او بسیار باشکوه برگزار شد. بیش از ۸۰ نفر شرکت کرده بودند. خانه غرق گل بود. ختم نبود، بزرگداشت بود. سرود خواندیم. همسرش با لباس سفید و یک گل سرخ به سینه همراه ما سرود می خواند. خیلی از بستگان گریه می کردند. مجالس ترحیم چندین بار تکرار شد. حدود اوایل دیماه خانواده ها با هم قرار گذاشتند بعنوان برگزار کردن مراسم چهلم شهدا به گلستان خاوران بروند.

مقدار زیادی گل، شهربانی و میوه در بهترین ظرفها آورده بودند. مادران، همسران و پدران عکسهای شهدا را بر چوب زده بودند. بعضی ها ۵ عکس، ۶ عکس و حتی ده عکس زده بودند. وقتی وارد گورستان شدیم مردها گفتند دایره بزنید. زنان روی زمین نشستند و مردان پشت سرشان ایستادند. یک دایره بزرگ تشکیل شد. شعار دادیم. سرود خواندیم. مادران فریاد می کشیدند: فردا اینجا زیارتگاه خواهد شد! اینجا زیارتگاه خلق است! در فضای آکنده از خشم و نفرت گلهای به پرواز در آمدند. البته جاسوسان هم آنجا حضور داشتند ولی جرات نمی کردند دست به اقدامی بزنند. شعار "مرگ بر خمینی" به گوش می رسید. همسران جوان اعدام شدگان با گلهای سرخ بر سینه و با گردنی برافراشته سرود می خواندند. فریاد ضجه مادران داغ دیده مانع از نزدیک شدن پاسدارانی می شد که به آنجا رسیده بودند. در پایان مراسم محل گلستان را تمیز کردیم چرا که دیگر خانه خود ما شده بود.

شرکت مردم در مراسم ختم شهیدان گسترده بود. مثلا معلمین مدرسه پچه خانواده شهیدی به مجلس ختم آورفته بودند. بعضی از آنان که هیچگاه فعالیت سیاسی هم نداشته اند گفته اند این یک فاجعه ملی بود. برای ما مسئله سازمان با عقیده سیاسی مطرح نیست. واکنش خشم آلود مردم باعث شد که خمینی قاتل و دستیارانش "عفو عمومی" اعلام کنند. با اینکه هزار بهانه تراشیدند و شرایط غیر قابل قبولی را در برابر زندانیان زنده مانده گذاشتند بالاخره مجبور شدند علاوه بر "توابین"، عده ای از "ملی کش"ها و دیگر جوانانی را که سالهای سال بی خود و بی جهت و بدون طرح ادعای نام و محاکمه در زندانها نگاه داشته بودند آزاد کنند. اما به آنان گفته بودند که اگر دست از پا خطا کنند به سرنوشت قربانیان کشتار جمعی گرفتار خواهند شد.

## آغازی باشکوه

پیچش باد در باد  
یورش آب بر آب  
و کم شدن سایه در سایه.  
ضربه تازیانه  
یا قوت های خون  
بر سرانگشتان گهرپرداز.  
امتزاج گوشت و پوست  
شکستن استخوان  
و نفیر گلگوله.  
فریادی،  
سرودی،  
و آنگاه سکوت.

پیچش باد در باد  
یورش آب بر آب  
و کم شدن سایه در سایه.  
طوفانی،  
سیلابی،  
و غروب خورشید.  
آنگاه، آغازی

در پایانی باشکوه.

ع. هور

## "انجمن قلم"

### اتحاد شوروی

### فتوای قتل را محکوم کرد

در نخستین فراخوان "انجمن قلم" اتحاد شوروی، که چندی پیش تشکیل شد، آمده است: "ما در عین آنکه هرگونه تحقیر دین و احساسات مذهبی انسانها را بشدت محکوم می کنیم، با انتقام جویی، بمثابه و واکنش در برابر توهین و ظلم، نیز مخالفیم. از این رو خواهان آنیم که فتوای قتل سلمان رشدی، نویسنده بریتانیایی، لغو گردد. بویژه آنکه وی هم اکنون مراتب تاسف خویش را از توهین به دین اسلام ابراز داشته است."

یادآور می شویم، که "انجمن قلم" اتحاد شوروی نویسندگان برجسته ای چون دانیل گرانین (رئیس انجمن)، چنگیز آبتماثوف، بلا احدولینا، ویکتور آستافیف، بوگنی پوتوشنکو، والننتین راسپوینین و آناتولی ریباکوف را در بر می گیرد.



## به مامی نویسنده

\* برای ۲۲ بهمن رژیم از مردم خواسته بود که بالای بامها رفته و فریاد "الله اکبر" سر دهند. مردم نه تنها استقبالی نکردند، بلکه طغز زیر را نیز ساختند: "پشت بام رفتیم و گفتیم سبب زمنینی کیلویی ۴۰ تومان الله اکبر!"

\* قیمت اجناس بعد از آتش بس بگونه ای سرسام آورتر بالا رفته است. مردم می گویند قبلا مسائل و مشکلات را با دستاویز قرار دادن جنگ توجیه می کردند، حالا مسئله سلمان رشدی و مبارزه با کفر جهانی را برای انحراف افکار مردم پیش کشیده اند.

\* امسال چهارشنبه سوری را مردم باشکوه برگزار کردند و از یکی دو هفته پیش از آن صدای ترقه بلند بود. در هر کوی و برزنی مراسم با روشن کردن آتش انجام شد.

\* در حالیکه مردم قدرت خرید نداشتند ولی برای بزرگداشت نوروز بهر صورت هر چه می توانستند می کردند.

\* یک موج سراسری برای آزار و اذیت زنها بوجود آمده است. در میدان ولی عصر زنی را فقط به جرم اینکه جورابش نازک است بازداشت کردند.

\* درباره زندانیانی که آزاد شده اند می گویند از نظر شکنجه جسمی و روحی تمام مدت زندان یک طرف و این پنج ماه آخر هم برای آنها یک طرف.

\* وضع روحی زندانیان آزاد شده بسیار بد است. به سه نمونه از آنان برخورد کردیم که وقتی از وضع زندان سؤال می شد فریادهای بلند می کشیدند و دچار تشنج می شدند و می گفتند از زندانها نپرسید.

\* در بند ۲ زندان اوین ۷ زن را آزاد کردند ولی بقیه آنان که حدود ۸۶ نفرند و شرایط زندانیان را قبول نکرده اند در معرض خطر جدی قرار دارند.

\* یکی از زنان زندانی که برای "مصاحبه" زیر شکنجه فرار دارد گفته است اگر مرا در حال مصاحبه یا سخنرانی دیدید بدانید که دیگر من نیستم بلکه جسد من سخن می گوید.

\* خانواده های شهدا سه، چهار بار در گلستان خاوران اجتماع کردند، یکی دوبار در برابر دادستانی و یکبار هم جلوی شورای عالی قضایی. در راهپیمایی دوراهی اوین خانواده ها شعار "مرگ بر خمینی" سر دادند.

\* در آخرین گردهمایی ۵۰۰ نفری در گلستان خاوران سپاه هجوم آورد و ۱۵ نفر را دستگیر کرد، از دختران نوجوان تا پیر زنان ۷۰ ساله. دختر ۱۴ ساله ای را آشفته با کاپل زده بودند که دیگر بی هوش شده بود. پس از ضرب و شتم فراوان همه را به قید ضمانت و به شرط اینکه دیگر در هیچ "محلفی" شرکت نکنند آزاد کردند.

\* در زندان اصفهان ۴ "تواب" را مامور کشتار کردند و بعد هر چهار نفر را کشتند.

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!





## از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

کاهش تولید،

خطر افزایش اخراج و بازخرید

وضع صنایع روز بروز وخیم تر می‌شود. با توجه به نحوه اختصاص ارز برای کارخانجات، کمبود مواد اولیه در سال ۶۸ شدت خواهد گرفت. هم اکنون مدتی است که اکثر کارخانه‌ها با کمبود مواد اولیه مواجهند و سطح تولید را کاهش داده‌اند. در برخی واحدها، قسمت‌هایی تعطیل شده است.

معاوضه کالا با کالا در بین کارخانجات تولیدی کماکان ادامه دارد. واحدهایی هستند که با دادن برخی مواد مازاد احتیاج به یکدیگر و دریافت مواد مورد نیاز کژدار و مریز به تولید ادامه می‌دهند. اما ادامه این روند ممکن نیست. حتی کارخانه‌های دولتی مجبورند بخشی از نیازهای خود را از بازار سیاه تهیه کنند. فروش اموال کارخانه‌ها بصورت مزایده برای تامین هزینه‌های روزمره امری عادی شده است.

بیشتر کارخانجاتی که خط تولید خود را "نظامی" کرده بودند، بویژه کارخانجات ریخته‌گری، بخصوص پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ با کمبود سفارش روبرو شده‌اند. در نتیجه، موج جدیدی از اخراج و بازخرید کارگران را تهدید می‌کند. بطور نمونه، در یک ساله گذشته مجتمع تولیدی "حسن باقری"، وابسته به سپاه، در جاده قدیم کرج، حدود هزار نفر را بدون پرداخت حق سنوات اخراج کرده است. بخش مهمی از واحد تولید آلومینیوم کارخانه "ایران پویا" به دلیل کاهش نیازهای جنگی خوابیده است. کارخانه آلومینیوم سازی اراک ("ایرالکو")، تامین کننده اصلی "پیلت" آلومینیوم، بعلت عدم ورود مواد اولیه از خارج و نیز سوء استفاده‌های مالی مدیریت شرکت با ظرفیتی بسیار پائین کار می‌کند. اضافه کاری، در واحدهای وابسته به سازمان صنایع دفاع، که قبل از قبول قطعنامه اجباری بود، بکلی قطع شده است. این در حالی است که کارگران این واحدها بدلیل افزایش سرسام آور هزینه زندگی و استفاده از حقوق اضافه کاری قادر به گذران زندگی نیستند.

باند بازی و سوء استفاده‌های مالی در سطح مدیران کارخانه‌ها، بویژه صنایع وابسته به "بنیاد مستضعفان" به شدت رواج دارد. به همین دلیل و نیز به دلیل پائین بودن سطح حقوق، در بین کارگران و کارمندان کارخانه‌های یاد شده هیچ انگیزه‌ای برای بهبود وضع تولید و کار دلسوزانه به چشم نمی‌خورد. کم کاری به شدت رواج دارد. در اکثر واحدهای تولیدی بخشنامه‌هایی دیده می‌شود که کارگرانی که "در ساعات کار خوابیده‌اند" اخراج یا تنبیه خواهند شد.

"راهپیمایی" علیه "آیات شیطانی"

نمایش رسوای راهپیمایی علیه کتاب "آیات

شیطانی"، حتی در کارگران مذهبی واکنش مثبتی بر نهبانگیخت.

روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ۶۷ انجمن‌های اسلامی کارخانجات اقدام به سازماندهی کارگران برای شرکت در راهپیمایی فرمایشی کتابی کردند که کارگران از محتوای آن بکلی بی اطلاع بودند. تنها عده کمی حاضر به شرکت در راهپیمایی شدند. این عده با اعضای انجمن اسلامی بودند و با بقول خودشان ثبت نام کردند که "چیم" شوند.

لطیفه‌ای که وزیر کار را برآشت

در اواخر هفته دوم بهمن ماه، مدیریت ایران خودرو، در گردهمایی کارگران خبر حذف حق بهره‌وری تولید را با اطلاع کارگران می‌رساند. کارگران که قبلاً از خبر مطلع شده بودند، با حالتی عصبی و ناراحت در جلسه نشسته و منتظر شنیدن خبر ناگوار بودند. مدیریت به بهانه دعوت از وزیر کار برای حضور در جلسه (در واقع از وی بمنظور جلوگیری از هرگونه اعتراضی از سوی کارگران کمک خواسته بود) کمی صبر کردند تا او آمد.

سرحدی زاده ضمن برشمردن صدمات ناشی از جنگ، از کارگران خواست تا این روزها را تحمل کنند و...

پس از پایان سخنان وزیر کار، سکوت بر جلسه حاکم گردید. وزیر کار که از چهره کارگران خشم و نفرت نسبت به خود و رژیم را احساس می‌کرد برای تغییر جو گفت: "خبر خوبی به شما ندادم، اگر کسی "جوکی" می‌تواند تعریف کند تا اخم‌ها باز شود بپایید جلو".

یکی از کارگران جلو می‌آید و می‌گوید: "روزی مجری را در میدان شهر می‌خوانند به‌دار بزنند. پس از بالا کشیدن طناب و پائین آوردن، دژخیمان متوجه می‌شوند که مجرم نمرده است. مجدداً او را بالا می‌کشند و چند دقیقه بیشتر او را نگاه می‌دارند. پس از پائین آوردن باز می‌بینند نفس می‌کشد. این بار ضمن بالا کشیدن طناب چند نفر پاهای او را به طرف پائین می‌کشند و او را در همان حال مدتی نگه می‌دارند. اما پس از پائین آوردن در کمال تعجب ملاحظه می‌کنند که باز هم زنده است. بالاخره از او می‌پرسند چرا اینقدر جان سخت هستی؟ وی می‌گوید: اولاً کارگرم و ثانیاً بپیکانه.

وزیر کار در حالیکه کارگران خنده‌شان قطع نمی‌شد، با عصبانیت سالن را ترک می‌کند و می‌رود.

اخراج‌های تازه در شرکت زمزم رشت

از بهمن ۶۶ تا بهمن ۶۷ در شرکت زمزم ۵۰ نفر بازخرید و اخراج شده‌اند. اکنون نیز مدیریت می‌خواهد با قطع مزایا کارگران را مجبور سازد که خود را بازخرید کنند. مدیریت حتی گفته است اگر کارگری حاضر باشد خود را بازخرید کند، سالی سه ماه حق بازخرید به او خواهند داد.

گزارشی از کارخانه ایران پاما

در کارخانه ایران پاما واقع در جاده قدیم کرج، به علت پائین بودن سطح دستمزد کارگران، از

مدتها پیش اعتراضاتی بخاطر افزایش دستمزد صورت می‌پذیرفت. در جریان انتخابات "شورای اسلامی کارگران"، افزایش دستمزد سرپرستان کارگاهها که در آستانه برگزاری آن انجام گرفته بود باعث به بشنج کشیده شدن کارخانه گردید. کارگران می‌خواستند که قبل از انجام هرگونه انتخاباتی، علت افزایش دستمزد سرپرستان روشن گردد. نمایندگان وزارت کار علیرغم همه سعی و کوشش خود نتوانستند بر اوضاع تسلط پیدا کنند. کارگران این افزایش حقوق را توطئه‌ای علیه خود می‌دانند و از شورای قبلی به علت عدم برخورد به این مسئله و ناتوانیش برای به کرسی نشاندن خواست آنان برای افزایش دستمزدها به شدت ناراضی هستند. اکنون در بسیاری از شرکتها، از جمله همین شرکت پاما، طبقه بندی مشاغل صورت پذیرفته است. اما این طبقه بندی خود بهانه‌ای برای توجیه افزایش نیافتن دستمزدها شده است. تبلیغ می‌کنند که برای افزایش دستمزدها منع قانونی وجود دارد چرا که هرگونه افزایشی باید با طرح قانون طبقه بندی مشاغل قابل توجیه باشد. ضمناً مدعی شده‌اند که افزایش حقوق سرپرستان در این کارخانه با استناد به طرح طبقه بندی مشاغل (تبصره مربوط به کارهای نظامی) صورت گرفته است.

بازهم بازخرید و اخراج کارگران

— پروپیل نیمه سبک در بهمن ماه ۱۲۰ نفر از کارگران استخدا می‌خود را اخراج کرد.  
— شرکت ایران ابزار در آذر ماه ۶۷، ۲۰۰ تن از کارگران را اخراج کرد و تصمیم دارد ۱۵۰ نفر دیگر را نیز از کار بیرون کند.

لحاف بجای تلویزیون

شرکت کارتن ایران واقع در تهران، در سال مالی گذشته نزدیک به ۱۲۰ میلیون تومان سود داشته است. کارگران این کارخانه (که حدود ۶۰۰ نفر پرسنل دارد) از جریان مطلع می‌شوند و از مدیریت می‌خواهند که حق تولید به آنان پرداخت شود. پس از مدت‌ها کش و قوس، مدیریت قول می‌دهد که به هر نفر یک تلویزیون عیدی بدهد. مدتی که می‌گذرد، مدیریت بجای تلویزیون قول دادن بیخجال را می‌دهد. پس از چند روز بازحرفش را عوض می‌کند و می‌گوید به هر نفر یک فرش ماشینی می‌دهیم. در اواسط بهمن ماه کارگران متوجه می‌شوند که تعدادی لحاف پشم شیشه که از شهرستان قم خریده شده است را می‌خواهند بعنوان عیدی میان کارگران توزیع کنند. کارگران به خشم می‌آیند و دست از کار می‌کشند. اما مدیریت می‌گوید، اگر نگیرید این را هم نمی‌دهیم.

کسر حقوق برای جنگ ادامه دارد

اواخر دیماه در ساختمان اداری شرکت ارج، بعضی از قسمت‌ها با نوشتن نامه به انجمن اسلامی و شورا می‌خواهند که یک درصد حقوقشان را که تا حال در ارتباط با جنگ کم می‌کرده‌اند، دیگر کسر

## ضرورت تشکیل هسته‌های مخفی رهبری سندیکائی

نکنند. انجمن اسلامی برای جلوگیری از شیوع این حرکت، همراه با کت حقوق دیماه در تمام قسمت‌ها یک برگ پرسشنامه به کارگران و کارمندان داده است، که اگر با کسر کردن یک درصد از حقوقشان در سال ۶۸ موافق هستند آن را پر کرده و به دفتر انجمن بفرستند. اکثر کارکنان با پیروختن و تمسخر به این مسئله برخورد کرده‌اند.

در همین شرکت از اوایل بهمن ماه چهار نفر پرسنلی که سال گذشته به سازمان صنایع دفاع فرستاده شده بودند و مهلت ماموریت آنان خاتمه



یافته، در ساختمان اداری شرکت جمع کردند و خواستار برگشت به کار شدند. مسئولین کارخانه پس از یک هفته سرگردان کردن آنان حاضر نبودند جواب روشن بدهند. در شرکت شایع بود که مدیریت می‌خواهد با زدن انگ سیاسی و ایجاد تفرقه جمع آنان را از هم بپاشد. اما این عده که نیرنگ مدیریت و انجمن اسلامی و شورا را می‌دانستند، هر روز با سرویس به شرکت می‌آمدند و دفتر حضور و غیابی را که تهیه کرده بودند امضا کرده و بعد از ظهر نیز با سرویس از شرکت خارج می‌شدند.

طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز

در شعارها و رهنمودهای کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه از جمله گفته می‌شود: "فعلان صنفی! کارگران آگاه و پیشرو! هسته‌های مخفی رهبری سندیکای و اتحادیه‌ها را در محیط‌های کار و تولید و در درجه اول کارگاه‌های بزرگ صنعتی تشکیل دهید!" این رهنمود در واقع پاسخ به یکی از مهمترین نیازهای طبقه کارگر ایران در راه مبارزه برای احقاق حقوق خویش است. تجربه مبارزه کارگران طی سالهای پس از سرکوب سندیکاهای مستقل کارگری از سوی رژیم ضد-کارگری "ولایت فقیه" نشان می‌دهد که ایجاد و گسترش هسته‌های مخفی رهبری سندیکای و اتحادیه‌ها در محیط‌های کار و بخصوص کارخانه‌های بزرگ از چه اهمیتی برخوردار است. ژرفش بحران اقتصادی - اجتماعی، نبود آزادیهای دموکراتیک و قانون کارمندی و ارتش بیگانگان زمینه استثمار بی رحمانه کارگران و زحمتکش را فراهم آورده است. در کشورهایی که کارگران با مبارزات خود وجود سندیکای و اتحادیه‌های کارگری را به دولت‌های حامی سرمایه تحمیل کرده‌اند، این نهادها با انعقاد قراردادهای جمعی، تعیین حداقل دستمزد بر اساس رشد قیمت‌ها و بهره‌گیری از سلاح برنده "اعتصاب، از حقوق کارگران دفاع می‌کنند. دقیقاً به همین دلیل نیز رژیم جمهوری اسلامی به عنوان مدافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان با توسل به شیوه‌های فاشیستی و بازداشت و زندانی کردن و حتی اعدام فعالان سندیکایی فعالیت سندیکای و اتحادیه‌های کارگری را عملاً متوقف ساخت. نبود تشکلهای صنفی مدافع منافع کارگران و زحمتکش این امکان را برای دولت جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران فراهم کرده است تا همه مشکلات ناشی از بحران عمیق اقتصادی مبتلا به رژیم رادیکال کارگران و دیگر زحمتکش بگذرانند. در حالی که تورم سرسام آور، گرانی و کمبود مواد اولیه و... بر اقتصاد کشور حاکم است، سرمایه‌داران و اشرار ثروتمند از این ممر نه تنها زیانی نمی‌بینند، بلکه هر روز بر ثروت و دارایی‌شان افزوده می‌شود و در مقابل کارگران که این روزها تنها با فروش اندک وسایل زندگی خود می‌توانند به زندگی مشقت‌بار ادامه دهند، از سوی رهبران مرتجع رژیم به صبر و تحمل دعوت می‌شوند.

در این شرایط و طبقه‌ای پس دشوار در پیش روی کارگران آگاه و پیشرو قرار گرفته است. آنان باید بدون از هرگونه تنگ نظری گروهی و فکری با ایجاد هسته‌های مخفی سندیکایی از بین کارگران مبارز و صاحب نفوذ، کارگران و زحمتکش را در محیط‌های کار متشکل کنند. این هسته‌ها در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها می‌توانند از جمله در زمینه‌های زیر مبارزه کنند:

- بالا بردن سطح آگاهی کارگران، ترغیب آنان به طرح خواستهای خود و تبلیغ ضرورت وجود تشکلهای صنفی مستقل کارگری؛  
- رهبری اعتصابات کارگری و تأمین ادامه کاری مبارزه کارگران. تجربه نشان می‌دهد که دولت و صاحبان سرمایه در مقابله با اعتصابات و اعتراضهای کارگران گاه با سرکوب و گاه با توسل به حیله و فریب از نبود مرکز رهبری در جبهه کارگران سو استفاده می‌کنند و حتی در مواردی که مجبور به عقب نشینی می‌شوند، پس از چند گامی دستاوردهای کارگران را با شیوه‌های دیگر باهمال

می‌کنند؛  
- جمع بست مداوم تجربه‌ها در برخورد با سرمایه‌داران، مدیران و کارفرمایان و دستکامهای سرکوب و انتقال آنها به کارگران؛  
- ایجاد ارتباط فعال با کارگران آگاه دیگر واحدهای کار و مبارزه، اطلاعات و تجربیات؛  
- تشخیص فوری‌ترین و ضروری‌ترین خواست کارگران و متمرکز کردن مبارزات در اطراف آن. اولویت این خواستها نسبت به شرایط منطقه، صنف و حتی کارخانه می‌تواند متفاوت باشد؛  
- مبارزه با فعالیت تخریبی و تفرقه افکنانه انجمن‌های اسلامی و افشا آنان از راه طرح و اصرار بر تحقق خواستهای واقعی کارگران؛  
- مبارزه برای تصویب قانون کاری منطبق با منافع کارگران؛  
- بسیج کارگران برای مقابله با اخراج و بازخرید همکاران خود؛  
- افشا اقدامات ضد کارگری رژیم و تبلیغ اینکه کارگران نهاد اتحادیه‌ها را باید دیگر اشرار و طبقات و سرنگون کردن رژیم می‌توانند به آزادی واقعی دست یابند؛  
در مبارزه برای ایجاد هسته‌های رهبری سندیکای و اتحادیه‌ها باید این واقعیت را در نظر گرفت که این امر یعنی مبارزه مخفی سندیکایی در کشور ما از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است. هنگامی که قریب به ۶۰ سال پیش با استقرار دیکتاتوری رضاخان و تصویب قوانین ضد کارگری از فعالیت قانونی سندیکای کارگری جلوگیری شد، کارگران آگاه و فعالان سندیکایی به فعالیت مخفی روی آوردند. در همین سالها بود که اعتصاب عظیم کارگران نفت جنوب، کارگران کارخانه وطن اصفهان، کارگران ساختمانی نوشهر و... سازماندهی شد و در بسیاری اوقات با موفقیت کارگران و تحمیل بخشی از خواستهای آنان به دولت و کارفرمایان خاتمه یافت. هر چند حکومت دیکتاتوری رضاخان با بازداشت و زندانی کردن فعالان سندیکایی و کشتار دهها نفر از کارگران با این مبارزات به مقابله برخاست، اما هیچگاه نتوانست آرامش دلخواه خویش را به محیط‌های کارگری تحمیل کند.

پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ نیز بعد از ۱۲ سال فعالیت نسبتاً آزاد سندیکایی، کارگران کشورمان از نو مجبور شدند تا در شرایط مخفی به مبارزه بپردازند. در این سالها نیز دهها اعتصاب کارگری از سوی تشکلهای مخفی سندیکایی رهبری شد.  
امروزه، که سران جمهوری اسلامی پا در جای پای رضاشاه و محمد رضاشاه گذارده و هر نوع شکل مستقل کارگری را سرکوب می‌کند، تنها راه دفاع از خواستهای صنفی کارگران مبارزه مخفی سندیکایی است. تجربیات گرانمایی که کارگران ایران در جریان انقلاب بهمن و پس از آن اندوختند و اعتقاد بی‌سابقه آگاهی آنان در جریان مبارزات طبقاتی در سالهای اخیر، در صورتی که با بهره‌برداری درست از همه امکانات همراه گردد می‌تواند علیرغم سرکوب فاشیستی رژیم دامنه مبارزات کارگران را گسترش دهد. تنها با تشکل و مبارزه پیگیر می‌توان بر دشمن طبقاتی غالب آمد.

## وزارت اطلاعات "در پوست" سرویس سیاسی کیهان

روزنامه "کیهان" تمامی صفحه ۱۰ شماره ۸ هفتم فروردین ماه خود را در اختیار "وزارت اطلاعات" گذاشته است تا بکوشد با پنهان شدن در زیر نام "سرویس سیاسی کیهان"، فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان سال گذشته را توجیه کند.

بهانه "تهیه" این مقاله، ظاهر پاسخ دادن به نامه ایست که پس از انتشار مقالات کیهان هوایی در ۱۲ و ۱۴ دیماه سال گذشته، شخص ناشناسی با امضای "از طرف مادران داغدیده" به دفتر "کیهان" فرستاده و همراه آن "اسامی تعدادی از معدومین گروهکی" را نیز ذکر کرده تا "دلیلی بر کذب مطالب مندرج در جوابیه" کیهان هوایی به سازمان عفو بین المللی "باشد. از فحوی کلام پیداست که نامه "یاد شده در همان روزهای نیمه دوم دیماه به دفتر کیهان رسیده بوده است. ولی در این نوشته مفصل روشن نکرده اند که چرا برای پاسخ دادن به آن به سه ماه "تفکر و تعقل" نیاز داشته اند! چنین بنظر می رسد که پخش نامه های خصوصی منتظری به خمینی در هفته های اخیر و از بام جهان افتادن پشت رسوایی رژیم "ولایت فقیه"، انتشار این مقاله را برای پاسخگویی به پرسش های فراوانی که اینک در برابر مردم ایران مطرح شده ناگزیر ساخته است.

"وزارت اطلاعات" در پوست "سرویس سیاسی کیهان" که دیگر پی برده است ماست مالی کردن قتل عام در زندانها با بهانه قرار دادن عملیات نظامی در جبهه های جنگ جز تلاشی مذبوحانه نیست، اینبار در همان آغاز نامه با "صدافت" می نویسد: "در کجای جوابیه ما به سازمان عفو بین المللی اعدام کسانی که دستپاچهان به خون مردم بیگناه کوچه و بازار آلوده است انکار شده بود که نویسنده نامه در پی اثبات آن بر آمده است".

این برای خود "بیشرفتی" است، چرا که تلاش فراوان لازم بود تا سران رژیم که نخست از بیخ منکر قتل عام زندانیان سیاسی بودند، سرانجام به آن اعتراف کنند، گر چه مدعی شوند فقط کسانی که گویا "دستپاچهان به خون مردم بیگناه کوچه و بازار" آلوده بوده است اعدام شده اند.

نویسنده مقاله ابتدا قول می دهد که ضمن درج بخشهایی از نامه دریافتی، توضیحاتی پیرامون مطالب آن بدهد. اما سپس قول خود را فراموش می کند، زیرا در این مقاله که حدود ۶۷۰ سطر در پنج ستون است تنها در دو جا و مجموعه سطر از آن نامه نقل شده است.

بخش عمده مقاله اختصاص به "تجزیه و تحلیل" موضوع دیگری دارد و در پایان حزب توده ایران هم مورد تاسر آگویی قرار گرفته که گویا بجای ارائه "دلیل منطقی" و "مطلب قابل عرض و معقول" درباره "شوهای تلویزیونی"، تنها مدعی استفاده از "امیولهای مخصوصی" هنگام بازجویی ها برای اعتراف گیری شده است.

معلوم نیست این "سرویس سیاسی" که خود را از جمیع وقایع در گوشه و کنار جهان مطلع جلوه می دهد برآستی از وجود داروهای روانگردانی اطلاعی ندارد و با اینکه خود را عالم و عاقل و عاقلانه نفهمی می زند! اخبار مربوط به استفاده از داروهای روانگردانی بارها توسط خبرگزاریهای کشورهای امپریالیستی مخابره شده و حتی در روزنامه "کیهان" هم بازتاب یافته است. ضمناً تا بحال هیچکس نگفته

است که در جمهوری اسلامی تنها از راه کاربرد داروهای روانگردانی و بیاعتنا کردن به مواد مخدر از زندانیان سیاسی اعتراف می گیرند. شیوه های سنتی "اسلامی" مانند "تعزیر" و نازبانان زدن همراه با فحش های رکبک ناموسی، زدن چشم بند به زندانی طی مدت طولانی و آویزان کردن او محروم کردنش از هواخوری و دیگر انواع شرم آور شکنجه هایی که همه از آن اطلاع دارند، در زندانهای جمهوری اسلامی رواج کامل دارد.

اصولاً مسئله اصلی این نیست که با استفاده از چه شیوه هایی زندانیان را واداشته اند به گناهان ناکرده "اعتراف" کنند. عمده این است که همه "این دگرگونی ها"، نه در زمان آزادی، بلکه در زندانها صورت پذیرفته است. برای کشف حقیقت بود که حزب ما بارها خواستار تشکیل دادگاههای علنی و محاکمه اعضای بازداشت شده حزب با حضور وکلای مدافع و هیئت های منصفه و ناظران بین المللی و همچنین معاینه زندانیان توسط پزشکان متخصص و بی طرف خارجی شد تا شکنجه گران دروغگو رسوا شوند. اگر سران رژیم راست می گفتند که خود زندانیان داوطلبانه و بر اثر آشناسدن با "حقایق" دچار این دگرگونی ایدئولوژیک شده اند چرا با این خواست که به نفع خودشان تمام می شد موافقت نکردند و چرا تقریباً همه آنان را بدون دادگاه و محاکمه، دزدانه کشتند؟ مگر تکرار آن حرفها در برابر یک دادگاه علنی و در برابر چشمان ناظران داخلی و خارجی با مصطلح حقانیت آقایان راثابت نمی کرد؟

اما وقتی که جمهوری اسلامی از "فرصت طلایی" استفاده نکرد و بسیاری از زندانیان سیاسی را، اعم از پدرو و جوان و صرف نظر از نوع اتهاماتشان و مستقل از دیدگاههای اجتماعی و سیاسی آنان بطور جمعی به جوخه اعدام سپرد، خواه ناخواه باید نتیجه گرفت که ریکی، آنهم ریک درشتی به کفش داشته است.

در کشورهای متمدن که "سرویس سیاسی کیهان" تمدن آنها را قبول ندارد، لاف زدن زندانیان سیاسی در دادگاه و با داشتن حق دفاع و وکیل مدافع محاکمه می شوند و یک بک آنان تنها پاسخگوی موارد اتهام خویشند. اما "سرویس سیاسی" مدعی است که اقدامات جمعی پایه "حقوقی" دارد، زیرا "این جریانات خود به کشتن فلان جوان مسلمان و متعهد، فلان معلم زحمتکش، فلان کارگر حمام، فلان رزمنده از جبهه برگشته، فلان بقال و فلان کارمند... و دهها چنانیت دیگر اعتراف داشته... و به آن افتخار می کنند". آیا نظام حاکم بر یک کشور، هر قدر هم که به قانون و قواعد شناخته شده زندگی اجتماعی بی اعتنا باشد می تواند با اینگونه اتهامات مسخره جوانانی را که در سن ۱۲ سالگی به گناه فروختن روزنامه ارگان این یا آن سازمان سیاسی دستگیر کرده و سالهای سال در زندان نگه داشته اند، ناگهان به جوخه اعدام سپارند.

اگر "سرویس سیاسی" یعنی "وزارت اطلاعات" راست می گوید لاف زدن پاسخ پرش های آیت الله منتظری را بدهد که می پرسد: "کسی را که به کمتر از اعدام محکوم کرده اید به چه ملاک اعدام می کنید؟" بگوید که چرا بجای تشکیل دادگاه، یک هیئت سه نفره مرکب از نماینده "وزارت اطلاعات"، نماینده "دادستان و قاضی شرع" را مامور کرده اند پس از یک سوال و جواب کوتاه مدت و حساب شده حکم اعدام زندانیان را صادر

## موج شکن در برابر اصول

### انسانی

"تاریخ معاصر دفاع از حقوق بشر" عنوان سلسله مقالاتی است که اخیراً در "اطلاعات" منتشر می شود. انگیزه نویسنده خنثی ساختن "تبلیغات استکباری" در زمینه نقض حقوق بشر درج اول و اثبات واقعیت نقض حقوق بشر توسط "غربی ها" در تاریخ معاصر است.

در اولین قسمت مقاله به شرایط حاکم بر آلمان در سالهای قبل و بعد ۱۹۳۰، بحبوحه روی کار آمدن هیتلر و نازی ها، اشاره شده است. نویسنده با برشمردن برخی رویدادهای تاریخی، از جمله سه و شش میلیون آرا، احزاب کمونیستی و کارگری آلمان در انتخابات سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۳۲، به پی آمدهای سیاست فاشیستها از هنگام روی کار آمدن هیتلر (در ۱۹۳۳) می پردازد. سپس آمده است:

"ضرب و شتم و ارباب و تهدید که سیاست حزب ناسیونالیست بود تبدیل به سیاست رسمی دولت منتخب و ناسیونالیست آلمان شد. از همان سال چنانچه هولناک این حزب بورژوازی علیه دگراندیشان آغاز شد و هزاران یهودی، روشنفکر آزادیخواه، کمونیست، پیر و جوان آلمانی بدست ناسیونالیستهای زندانی، تبعید و یا کشته شدند، بدون این که حقوق بشر در مورد آنان رعایت شود و با حق آزادی بیان که آنان در انتخابات ابراز کرده بودند، محترم شمرده شود! آقایان به بهانه "موج شکن در برابر کمونیسم" همه آلمانی های مخالف خود را از هر گروه و دسته و قوم و مذهبی که بودند سلاخی کردند، و چون به آزادی بیان اعتقاد داشتند (!) در میدانهای بزرگ شهر هر چه کتاب مخالف عقایدشان بود را به آتش کشیدند..."

می بینیم که نویسنده فجایعی را یادآور می شود که هیچگاه بشریت آنها را فراموش نخواهد کرد. در شرایط کنونی این فجایع بویژه برای مردم میهن ما ملموس و قابل درک است، زیرا خود نیز شاهد چنانیتهایی بوده اند و هستند که تفاوت چندانی با دوره هیتلر و نازیها ندارد. کافی است که در عبارت فوق بجای "حزب ناسیونالیست" آلمان "حکومت ولایت فقیه" جایگزین شود. می بینیم که صرف نظر از برخی تفاوت های قابل اغماض، گویی چهل و اندی سال پس از سقوط هیتلر همان رویدادهای خونین این بار در ایران و به دستور خمینی تکرار شده است. باز هم کشتار کمونیست ها و روشنفکران آزادیخواه، باز هم کتاب سوزان، باز هم ضرب و شتم و ارباب و تهدید که سالهاست تبدیل به سیاست رسمی حاکمیت ج.ا. شده است. حاکمیتی که از حقوق بشر زیاد دم می زند، اما در نقض عملی آن حتی روی هیتلر و نازیها را سفید کرده است. سیاست حاکمیت "ولایت فقیه" را نمی توان تنها "موج شکن در برابر کمونیسم" نام نهاد، بلکه باید آن را موج شکن در برابر اصول انسانی نامگذاری کرد.

کنند؟ آیا آقای منتظری وقتی می گوید "اعدام آنان بدون فعالیت جدید زیر سؤال بردن همه فضات و قضاوت های سابق است" کاملاً حق ندارد؟ و هنگامی که منتظری در دومین نامه خود خطاب به خمینی یادآور می شود که حتی در آن هیئت های سه نفره آرا قاضی شرع و نماینده دادستان صوری بوده و نماینده وزارت اطلاعات را تصمیم می گرفته است، آیا دیگر جایی برای عوامفریبی باقی می ماند؟

# جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می کنند

## در روزنامه های مجاز

### مخالفت مذهبپون جمهوری دمکراتیک آلمان با اعدام ها

بیش از صد تن از مذهبپون جمهوری دمکراتیک آلمان در بیانیه ای "علیه نقض حقوق بشر در ایران" اعتراض کرده اند. در این بیانیه بویژه به اعدام اعضا حزب توده ایران در سالهای اخیر اشاره شده است.

### همبستگی

### کمونیست های زلاندنو

### با حزب توده ایران

"حزب سوسیالیست متحد زلاندنو" در نامه ای به حزب توده ایران امضای خود را به "بیانیه" احزاب کمونیستی و کارگری دربارۀ فاجعه ملی اعدام زندانیان سیاسی ایران افزود. این حزب می نویسد:

"ما همبستگی خود را با حزب شما و بویژه با رفقای شما، که قربانی بربریت قرون وسطایی می شوند، ابراز می داریم. هر چند امکانات ما بس محدود است، هر آنچه را که از دستمان برآید برای جلب توجه افکار عمومی انجام خواهیم داد". حزب برادر در زلاندنو بمناسبت "ماجرای رشی" در بیانیه ای مردم این کشور را بآوردیگر به همبستگی با زندانیان سیاسی ایران فرا خواند.

### آدم های ظاهرا خوب

هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه ۴ فروردین ۶۸ می گوید: "آدمهای ظاهرا خیلی خوب را می بینیم که وقتی کاری دستشان می آید خودخواهی و قوم و خویش پرستی دارند و به نزدیکان و دوستان خودشان بیشتر می رسند، رابطه را بر ضابطه مقدم می دارند. این روحیه حاکم بر بسیاری مردم دنیا است."

آقای رفسنجانی حق دارند. از این "آدمهای ظاهرا خیلی خوب" در دنیا بسیار وجود دارند. از جمله خود ایشان نمونه خوبی است، که تا کنون نشان داده آنجا که پای قوم و خویش ها و نزدیکان و دوستان در میان بوده از کارهایی که از دستش بر می آمده کوتاهی نکرده است. وجود برادر آقای رفسنجانی در راس سازمان عریض و طویل "صدا و سیما" نمونه برجسته ای از "قوم و خویش پرستی" ایشان است. امروزه دهان نغز از اقوام و نزدیکان رئیس مجلس شورای ملی پستهای حساس و نان و آبداری را به "برکت" خویشاوندی و دوستی باوی در دست دارند و "دعاگوی" ایشانند. البته باید توجه داشت که آقای رفسنجانی تنها نمونه تیپیک "آدمهای ظاهرا خوب" در میان سران ج.ا. نیست. هر کدام از آقایان منظومه ای از قوم و خویش ها و دوستان را دور و بر خود دارند.

### ۶۰ هزار سال حبس و شکنجه

نشریه "نیوزیلند ریپورت" مقاله ای زیر عنوان "رژیم خمینی زنان و بچه ها را شکنجه می کند" چاپ کرده است. در این مقاله، از جمله آمده است:

"ایران کشوری است که اکثریت مردم آن در هراس حبس بدون محاکمه و شکنجه مداوم و ددمشانه بسر می برند... در تاریخ خونبار ایران تنها اعضای حزب توده ایران به ۶۰ هزار سال حبس و شکنجه محکوم شده اند."

این روزنامه با استناد به گوشه هایی از یک مصاحبه با رفیق خاوری می نویسد: "کشوری را نمی توان یافت که در آن اختناق چنین تاریخ دهرینه ای داشته باشد."

نشریه نامبرده خاطر نشان می سازد، که هر چه بیشتر زنان و کودکان در برابر زندانیان سیاسی شکنجه می شوند.

"نیوزیلند ریپورت" از خوانندگان خود می خواهد تا با نوشتن نامه به سفارت ایران، "عفو بین المللی" و روزنامه ها به جنایات رژیم اعتراض کنند.

### سکوت

### در برابر اعدام همگانی

کمیته اجرایی "حزب کمونیست بریتانیای کبیر" در بیانیه ای که درباره سلمان رشدی منتشر ساخت، فتوای قتل او را از جانب خمینی محکوم کرد.

این بیانیه یاد آور می شود:

"رژیم ایران بربرمنشی و ناپردباری خود را همین چندی پیش در شکنجه و اعدام همگانی نمایندگان اپوزیسیون در ایران تثبوت رساند - رویدادی، که تقریبا با هیچگونه اعتراض دولت بریتانیا و دیگر کشورهای "جامعه اروپا" روبرو نشد."

### بازتاب افشاگری نامه مردم

### در روزنامه هندی

کلیشه زیر از روزنامه "پاتریوت" (هندوستان) است. این روزنامه با استناد به "نامه مردم" درباره دو نامه آیت الله منتظری به خمینی گزارشی را چاپ کرده است. در این گزارش به نقش شخص خمینی در فاجعه ملی اعدام زندانیان سیاسی اشاره ویژه شده است.



Khomeini warned against blanket execution orders

The article discusses the political situation in Iran and the impact of Khomeini's statements on the international community.

\* سیب زمینی نازنین، نقاب از چهره\* دلفروز برافکن در رابطه با گرانی سرسام آور و کمبود سیب زمینی در سطح کشور، یکی از خوانندگان کیهان، طی مطلب طنز آمیزی در صفحات آن روزنامه از جمله می نویسد:

"... ای سیب زمینی ستم دیده، من از گناه خود استغفار می کنم و از تو عذر می خواهم. ای دوزخ من کجا جویمت، که پای پویشگر من در دشت پرستکلاخ اقتصاد نارسا، تاول زده و رمق پویاشیم از دست رفته، اکنون که سمند تیزپای (ریالم) از تک بازمانده و توان کمترین جهش بسوی ترا ندارد، خود همتی کن، دل عاشقان مستمند را مرجان، نقاب از چهره\* دلفروز برافکن و از خلوت سرای محتکران بیرون آی که این شیدای سینه چاک بیش از این توان تحمل آتش فراق تو را ندارد!... سیب زمینی مهربانم، بجان عزیزت سوگند، بدون حضور برنج، گوشت، روغن، کنفش و لباس تا به امروز ساختم "گر چه استخوان در گلو داشتم و خار در چشم"، لیکن بدون محبت و غیبت تو زندگی تلخ اسف و لحظه ای توان زیستنم نیست... (کیهان، ۶۷/۱۲/۸).

\* سخن روز

"کارمندان و بطور کلی صاحبان درآمدهای اندک و ثابت، نه در خفافه بلکه می توان گفت در زیر خفافه قرار دارند و این واقعیت است و با گفتن و تکفوتن هم تغییر نمی کند" (اطلاعات، ۲۵ اسفند ۶۷).

\* تفاوت نرخ، فقط ۲ برابر

"آخر چرا یک پمپ آب وقتی که بوسیله\* جهاد سازندگی توزیع می شد به قیمت چهل هزار ریال به کشاورزان تحویل می شد ولی حالا که مسئولیت توزیع آن به دست بازار افتاده به قیمت هشتصد هزار ریال عرضه می شود، یعنی ۲۰ برابر شده. ولی گندمی که قبلا کیلویی ۴۰ ریال بود (قیمت خرید از کشاورز) حالا فقط ۵۰ ریال قیمت دارد، یعنی یک پنجم بر آن اضافه شده و دهها مثال دیگر...". از نامه\* یک کشاورز - (اطلاعات، ۲۵ اسفند ۶۷).

### نقض آتش بس . . .

زیسته اند. و اگر مطامع شوم و توسعه طلبانه رژیمهای دیکتاتوری حاکم بر آنها نباشد، می توانند همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه خود را همچنان ادامه دهند. بنابراین وظیفه مردم ایران و عراق است که هیئت های حاکمه خود را زیر فشار بگذرانند تا قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را بدون بهانه جویی های غیر شرافتمندانه، همانگونه که تصویب شده اجرا کنند و یکبار برای همیشه از دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه دست بردارند و گزینش نظام سیاسی و اجتماعی را حق مطلق هر ملتی بشناسند.

صلح باید عادلانه و شرافتمندانه باشد تا بتواند پایدار بماند. هر گونه تلاش برای سوء استفاده از موقعیت موجود به زبان یک خلق، نطفه در گریبهای خونین آینده را در خود نهفته دارد. اگر این واقعیت را سران دو رژیم ایران و عراق درک کنند، صلح در میان دو کشور برقرار خواهد شد و خلقهای ایران و عراق خواهند توانست رأسا به حل مسائل داخلی خود بپردازند.

### نقض آتش بس از هردو سو

هشت ماه پس از برقرار شدن آتش بس در جبهه های جنگ ایران و عراق، هنوز هم نمی توان از دگرگونی امیدبخش در روند بازگشت به مناسبات حسن همجواری میان دو کشور، بر پایه احترام متقابل به استقلال و حق حاکمیت سخن به میان آورد. برعکس، نشانه های نقض آتش بس از هر دو سو تلاش در راستای حفظ حالت نه جنگ، نه صلح که تنها بسود هیئت های حاکمه دو کشور و امپریالیسم بین المللی است پیوسته بیشتر می شود.

در پیوند با سفر فرستاده دبیر کل سازمان ملل متحد به منطقه رسا اعلام شد که هر دو طرف بصورت روزافزونی کارهای مهندسی نظیر ساختن استحکامات سنگر و پست های دیده بانی را روی خط آتش بس انجام داده اند. در عین حال طرفین به بهانه های گوناگون مواضع یکدیگر را گلوله باران می کنند و تنها طی یکی از حوادث اخیر هزاران گلوله بین آنها مبادله شده است. گو اینکه تا بحال حدود ۴۰۰ مورد نقض جدی آتش بس و سه هزار آن نقض جزئی وجود دارد، مقامات سازمان ملل متحد به این دلخوش کرده اند که همه موارد در جبهه بوده و طرفین هنوز به بمباران شهرهای یکدیگر دست نزده اند! حتی خرمشهر که بگفته آنان هنوز جزو نقاط مسکونی به حساب نمی آید توسط ارتش عراق گلوله باران شده است. چنین صلحی البته شکننده است و گرچه دوطرفه اینک امکانات مادی و معنوی آغاز مجدد یک جنگ تمام عیار را ندارند ولی بالقوه خطر زبانه کشیدن دوباره شعله های آن نمی تواند منتفی باشد.

علت ایجاد چنین وضع خطرناکی، در واقع بی اعتقادی دیکتاتورهای دو کشور به صلح و دست نکشیدن آنان از برنامه های توسعه طلبانه است. رژیم عراق که اینک بیش از هزار کیلومتر مربع از خاک میهن ما را در اشغال خود دارد، با احساس ضعف درونی رژیم "ولایت فقیه" حاضر به اجرای قطعنامه ۵۹۸ و بازگشت به مرزهای بین المللی نیست. رژیم ایران هم که نه از سودای "صدور انقلاب" دست برداشته و نه بدون حفظ حالت جنگی قادر به ادامه حیات است، از موضعگیری رژیم عراق حداکثر سو استفاده را می کند و می کوشد با برانگیختن احساسات مردم آنان را مجدداً به جبهه های جنگ "حق علیه باطل" بکشد. پیام اخیر خمینی به مناسبت "روز ارتش" و توصیه های اکید او به حفظ و توسعه قدرت رزمی آن برای "دفاع از انقلاب و میهن اسلامی" در واقع برای ادامه سیاست توسعه طلبی، درست در همین راستا بود.

مردم ایران و عراق دولت دوست و برادرند که صدها و صدها سال در صلح و صفا در کنار هم بقیبه در ص ۷

### کمکهای مالی رسیده:

به یاد رفیق شهید ناخدا افضلی  
برلین غربی ۵۰ مارک

### مورنینگ استار افشامی کند:

### قرارداد مرگ

"مورنینگ استار" (لندن) در شماره ۱۵ آوریل خود اسناد جدیدی را منتشر کرده است، که از بند و پست های تسلیحاتی رژیم "ضد آمریکایی" و "ضد صهیونیستی" خمینی با ایالات متحده و اسرائیل برده برمی دارند.

به نوشته "این روزنامه" در ژوئیه ۱۹۸۱ یک قرارداد سری تسلیحاتی به مبلغ ۱۲۵ میلیون دلار میان وزیر دفاع وقت ایران و یک عامل مخفی اسرائیلی به امضا رسید. این قرارداد، فروش سلاح هایی را در برمی گرفت، که تا آنهنگام هیچگاه صادر نشده بود، از جمله:

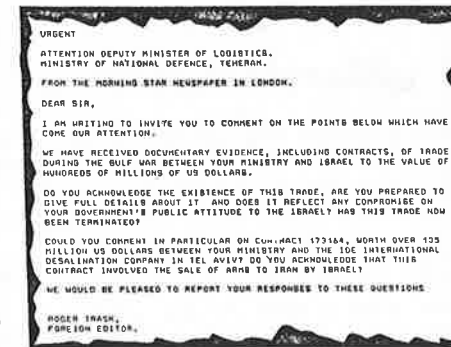
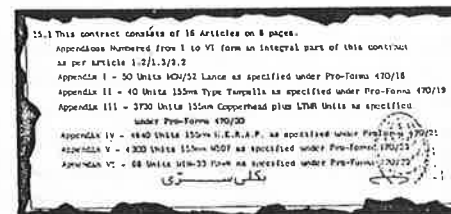
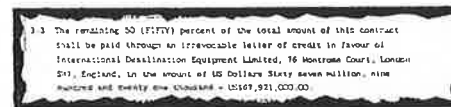
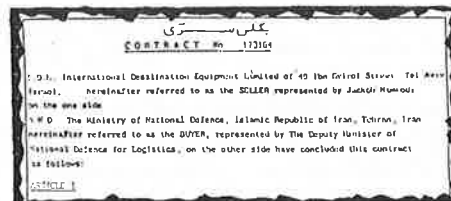
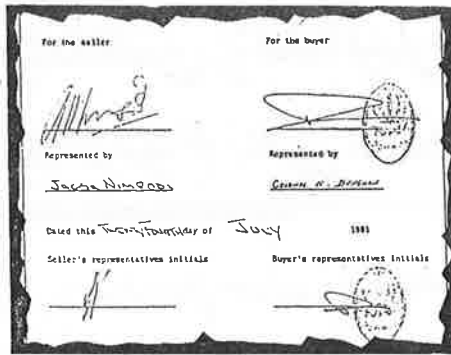
- \* پنجاه موشک زمین به زمین "لانس" با قدرت حمل کلاهک های سنن و هسته ای،
- \* چهل آتشبار سنگین "تام پللا" ساخت فنلاند، که بعنوان "رولزرویس" این گروه از سلاحها بشمار می آید
- \* ۲۷۲ ضد تانک لیزری، که تولید آن در سال ۱۹۸۰ در ایالات متحده آغاز گشت و تا کنون به کشورهای دیگر صادر شده است
- \* ۴۴۰ "مراب" برای آتشبارهای سنگین
- \* ۴۲۰۰ خمپاره ۱۵۵ میلی متری "ام - ۱۰۷"

۶۸ موشک زمین به زمین هاوک.

جالب آنکه، به گفته باربارا هونگر، یکی از مشاوران "کاخ سفید"، در اکتبر ۱۹۸۰، یعنی یکماه پیش از انتخابات آمریکا، "اردوی انتخاباتی" ریگان در تماسی با مقامات "تهران" از آنها خواست، تا بازگردانند گروگانهای آمریکایی را چندی به عقب بیاورند. به این ترتیب، شک باید کرد که بوش، رئیس جمهور کنونی آمریکا، برغم ادعایش، از این ماجرای پشت پرده بی خبر بوده باشد.

به گفته باربارا هونگر، ریچارد آلن، نخستین مشاور امنیتی ریگان، مبتکر قرارداد سری تسلیحاتی بود. ریچارد آلن نیز خود اعتراف کرده است، که اوایل اکتبر ۱۹۸۰ به اتفاق رابرت مک فارلین و لائورنس سیلبرمن در هتل "لانگان پلازا"ی واشنگتن با نمایندگان دولت ایران ملاقاتی داشته است. اواخر فوریه و یا اوایل مارس ۱۹۸۰، الکساندر میگ به دولت اسرائیل اجازه داد، تا محموله هایی از سلاحهای آمریکایی را در اختیار رژیم ایران قرار دهد. این سلاحها موشکهای "هاوک"، "لانس" و "سایدویدر" را در بر می گرفت. دلالت این معامله یعقوب نیمرودی (اسرائیلی) و سیروس هاشمی (ایران) بوده اند.

به گزارش "مورنینگ استار"، وزارت دفاع ایران تلکس این روزنامه را درباره تأیید و یا تکذیب اسناد نامبرده تا کنون بدون جواب گذاشته است. از واکنش آقای نیمرودی نیز هنوز خبری نیست، چه نام "شرکت" او را در دفتر تلفن تل آویو نمی توان یافت!



- ۱- شرح اسناد "مورنینگ استار";
- ۲- امضا و دوطرف قرارداد: یعقوب نیمرودی (عامل "موساد") و وزیر دفاع ایران
- ۳- قرارداد مستقیم میان اسرائیل و ایران
- ۴- سند یک شرکت واسطه ریتانیایی (نشانی جعلی است).
- ۵- لیست سلاحهای مرکب
- ۶- تلکس بی جواب "مورنینگ استار" به وزارت دفاع ایران

\*\*\*